

گریزگاه بازی بحران خواهان



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

وقتی نظم وجود دارد، همه چیز معلوم است و سر جای خودش قرار می‌گیرد؛ هرکس به آسودگی کار خودش را می‌کند و می‌تواند به راحتی پیش‌بینی کند که چهار قدم جلوتر و چهار روز بعد چه خواهد شد و چه خواهد کرد. می‌تواند خود و پیرامون خود را ببیند و بشناسد. زندگی روان و آسوده بدون التهاب، اضطراب و بلاکلیفی می‌گذرد.

نظم که نباشد، همه چیز نامعلوم است. زندگی به مجهول‌سی بزرگ بدل می‌شود که یک وجب جلوتر و یک ساعت بعدترش هم معلوم نیست. انکار در اتافی تاریک ایستاده‌اید و نمی‌دانید در آن چه می‌گذرد. حتی یک شناخت ساده هم نمی‌توانید پیدا کنید. سؤال‌ها بی‌جواب می‌مانند. زندگی در ترس و نگرانی و اضطراب می‌گذرد. بلاکلیفی همه را کلافه می‌کند.

در میدان مجهولات فقط آدم‌های انگشت‌شماری صاحب زور می‌دانند چه خبر است و چه خواهد شد. چه‌سای همان‌ها هستند که اتاق را تاریک کرده‌اند تا دیگران ندانند چه می‌گذرد. خودشان هم با چیزی شبیه دوربین دید در شب همه چیز را می‌بینند و آنچه به سودشان باشد، دور از چشمان ساکنان اتاق می‌کنند و می‌برند.

همه می‌دانند کار حقوق برقراری نظم عادلانه است. نظم نباشد عدالت هم نیست. حتی در نظم‌های آهنین مستبدانه هم بالاخره رگه‌هایی، ولو کم‌رنگ و کم‌اثر از عدالت شکل می‌گیرد.

قانون فقط یکی از عوامل نظم است. وقتی قانون درست نوشته نمی‌شود و درست هم اجرا نمی‌شود یعنی یک ستون نظم وجود ندارد یا سخت متزلزل است. اما فقط قانون نیست که نظم می‌سازد؛ عرف‌ها و رویه‌ها نیز هستند و گاه از قانون هم مهم‌ترند. در اختلال نظم حقوقی عرف‌ها و رویه‌ها هم بی‌ارزش می‌شوند.

وقتی نه قانون برجاست و نه عرف، ضابطه و حساب‌وکنابی باقی نمی‌ماند. هر که خواهد گویو با و هر که خواهد گو بسرو. فقط یک چیز می‌ماند که بر همه غالب می‌شود: «زور»؛ هر که زور بیشتری دارد غالب‌تر می‌شود.

از کوچ‌ه و خیابان گرفته که کسی با مشت و قمه و بازوی کلفت یقه مردم را بگیرد و اموال‌شان را ببرد تا کسی که پول فراوان دارد و نه‌فقط کالا که آدم‌ها را از پایین تا بالا می‌خرد و می‌فروشد.

در چنین معرکه‌ای، اخلاق هم (که از منابع نظم است) مضمحل می‌شود. عادت به بی‌ضابطگی و بی‌نظمی خیلی زود به درون آدم‌ها هم رسوخ می‌کند. آنچه به نام وجدان می‌شناسیم و قاضی درون ماست، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. می‌شود داور خواب‌آلوده‌ای که حواسش به چیزی نیست. داور درون خیلی‌ها هم اصلا استعفا می‌دهد و می‌رود و می‌شوند بی‌وجدان. هیچ قانون و پلیس و دادگاهی حریف چنین کسانی نیست.

وقتی بحران‌های بزرگ، مانند بحران‌های اقتصادی، بیماری‌های واگیر عمومی، نزاع‌ها و شورش‌ها و اعتراضات مردم، جنگ و تجاوز خارجی، جامعه را فرامی‌گیرد، وضعیت بدتر هم می‌شود. ضرورت بقا چه در افراد عادی و چه در سطوح دیگر جامعه توجیهی می‌شود برای تجاوز بیشتر از قواعد و ضوابط نظم.

در همه رژیم‌های سیاسی و حقوقی، حتی در کشورهایی که دارای نظم حقوقی کارآمد و پایدارند در بحران‌های بزرگ که جان همه مردم با امنیت ملی و تمامیت سرزمین در خطر جدی و واقعی است، دولت‌ها استثنا می‌توانند برای نجات جان مردم یا حفظ سرزمین و حاکمیت ملی با اختیارات ویژه از برخی قوانین تخطی کنند. در جوامعی که شرایط متفاوتی نسبت به جوامع پیش‌گفته دارند، وقتی چنان بحران‌های بزرگی پیش می‌آید، فقط دولت نیست که برای نجات جان‌ها و سرزمین از اختیارات ویژه بهره‌مند می‌شود. اینجا هم قاعده زور حاکم است. هر دسته و گروهی می‌خواهد کار خودش را بکند و حرف خودش را بر زور پیش ببرد. وضعیت بحرانی که موجب «ضعیبت استثنائی» می‌شود، به حلقه بسته‌ای بدل می‌شود که در آن هدف اصلی و اولی نه نجات جان‌ها و حراست از سرزمین، بلکه کسب قدرت بیشتر برای غلبه بر رقیب و بالا رفتن بیشتر از پلکان فرصت است. این حلقه بسته جز یک گریزگاه ندارد. آنها که در جایی از ساختار قدرت قرار گرفته‌اند و تمایل بیشتری به نجات جان انسان‌ها و سرزمین از مرگ و آتش و خون دارند، به بازی فرصت‌طلبانه رقبای بحران خواه وارد نشوند. کار خود را برای خاموش کردن آتش و نجات و خروج از گرداب بحران به انجام رسانند و اجازه ندهند آنان با سوءاستفاده از اختلال نظم همه چیز را خراب‌تر از آن کنند که هست.

چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵
۴ ذی‌العدده ۱۴۴۷
۲۲ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۶۶
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: توضیح سخنگوی دولت درباره شروط ایران برای مذاکره • محکومیت اتهام‌زنی وا‌هی امارات علیه ایران • ملاحظات اقتصاد در شرایط جنگ

در ونزوئلا در روی همان پاشنه قبلی می‌چرخد؟

کودتای سفید علیه میراث مادورو

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۴ بخوانید



این گزارش رادر صفحه۵ بخوانید.عکس:سین‌لورگه/شرق

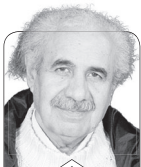
گزارش میدگانی «شرق» از ۶مخ‌له پایتخت که در اثر موشک باران آسیب دیدند

تهران زخمی اما ایستاده

یادداشت

دفاع از میهن و نقد حکومت در بوته آزمون تجاوز خارجی

رهنمودهایی در اخلاق سیاسی



موسی اکرمی

استادفلسفه

۳. دولت چو‌نان ابرار، میهن چو‌نان خانه همیشگی

هر دولتی به خودی خود یک ساختار سیاسی است که ممکن است و شاید با استدلال‌هایی ضروری به نظر برسد که به گونه‌هایی تغییر کند یا اصلاح شود . ولی میهن، سرزمین مشترک نسل‌های پیشین، کتونی و پسین با همه ظرفیت‌های گوناگونش برای زندگی باشندگان آن است. عشق به میهن هرگز لزوماً عشق به دولت حاکم نیست؛ مگر آنکه آن دولت در همه کارکردهایش نماینده راستین منافع میهن باشد.

رهنمود دوم. تمایز میان دفاع از میهن و تأیید دولت و وظیفه حمایت انتقادی
نقد حکومت نه‌تنها مشروع، بلکه در بسیاری موارد ضروری است. ولی هنگامی که کشور در برابر تهدید بیرونی قرار می‌گیرد، حق دفاع از سرزمین و مردم، حتی مستقل از ارزیابی کیفیت حکومت است.

کشور در برابر دشمن خارجی دفاع کرد. این‌ دو نه‌تنها متناقض نیستند، بلکه نشان‌دهنده بلوغ اخلاقی یک شهروند برخوردار از موضع نقد منطقی حکومت است.

یادداشت

ضرورت تدبیر در پایان بخشی به جنگ تحمیلی سوم و پس از آن

میلیارد دلار برآورد می‌شود. چندی پیش معاون وزیر کار اعلام کرد که برآورد اولیه از جنگ اخیر، از دست رفتن یک میلیون شغل به طور مستقیم و دو میلیون شغل به طور غیرمستقیم است (هم‌میهن). سخنگوی دولت نیز از برآورد خسارت ۲۷۰ میلیارد دلاری خبر داد. اگر این برآوردها مورد پذیرش قرار گیرد، به این معناست که پیش‌بینی صندوق محتاطانه بوده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که توازن قدرت در جنگ تحمیلی رخ داده است. دشمن به اهداف خود نرسیده و نخواهد رسید و از سوی دیگر ایران نیز توانسته است ضربات مهلکی بر آنها وارد کند و نه‌تنها از منظر منطقه‌ای تضعیف نشده، بلکه موقعیت آن تثبیت و تقویت شده است. براساس این با ورود به این مرحله، مقامات نظام در این شرایط با عقلانیت و با اتکا بر ابزارهای در دست خود، پذیرای مذاکرات با آمریکا شده‌اند و البته این در صورتی است که آنان به خواسته‌های بحق ایران تن در دهند. همه جنگ‌ها در نهایت با مذاکره خاتمه می‌یابند؛ مهم این است که در چه زمانی این اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد اکنون که برگ‌های برنده‌ای در دست ماست، زمان آن فرا رسیده است. ازاین‌رو اگر مقامات با نگاه به منافع ملی و با شجاعت تمام به مذاکرات وارد شده و از منافع ملی و دستاوردهای به‌دست‌آمده در جنگ، دفاع کنند، قطعاً آیندگان آنان را تحسین خواهند کرد. ازاین‌رو از گروه‌های تندروی که در جهان موازی زندگی می‌کنند، هراسی نداشته باشند.

هم‌زمان باید مقامات اقتصادی، مراکز پژوهشی و عالمان اقتصادی و تبیین وضعیت اقتصادی و راه‌های برون‌رفت بحران پس از جنگ اقدام کنند.

محمدرضا باهنر:

همه جریانات سیاسی پشتیبان فرزندان خود در میدان و دیپلماسی باشند

برگزیده‌ها

«شرق»، راوی آخرین معادلات میدانی و دیپلماتیک در واپسین ساعات آتش بس

روی لبه توافق

گزارش «شرق» از ابعاد گسترده تأثیر رویارویی آمریکا و اسرائیل با ایران بر بازار جهانی خوراکی‌ها

جنگ در خلیج فارس گرانی در سفره جهان

جالش‌های ارزیابی اثرات توسعه در دوگانه رشد و پایداری؛ از پروژه‌های عمرانی تا پیامدهای جنگ

تهران میان آب و آتش انبارهای نفت

تصمیم‌های پشت درهای بسته

افزایش ۴۰درصدی نرخ خدمات شهری در سایه محدودیت اطلاع‌رسانی

نگاه

اینترنت ویژه علیه امنیت ملی یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

یادداشت

رمز پیروزی و بقا در اتحاد است



هدایت‌الله جمالی‌پور

فعال سیاسی و استنادار سابق قزوين

آحاد مردم و به‌ویژه مدافعان نظام به‌عنوان یک کشورها یک روز در میدان نبرد می‌جنگند و یک روز هم باید در میدان دیپلماسی مبارزه کنند. موفقیت و پیروزی در هر دو میدان به حمایت جامع و گسترده ملت و نخبگان بستگی دارد.

شهروند منتقد حکومت می‌تواند و باید در برابر دشمن مشترک بایستد، بی‌آنکه هیچ‌یک از نقدهای بنیادین خود را پس بگیرد. این همکاری نه سیاسی و ساختاری، بلکه عملیاتی و موردی است. به سخن روشن: «من در دفع تجاوز در کنار تو هستم، ولی هنوز بر این باورم که روش تو اشکال ساختاری و... دارد».

تمایز دوم: مرز «کمک به دفاع» و «کمک به بقای سرکوب»
همکاری در دفاع، به معنای پذیرفتن غیرانتقادی یا فرمان‌بردارانه هر دستوری از سوی حکومت نیست. هم‌ه، ظرفیت کشور باید در خدمت میدان دیپلماسی با هدف دفاع حقوقی و تثبیت حقوق ملت قرار بگیرد. هر حرکت و اقدامی که موجب تضعیف روحیه رزمندگان خط مقدم دیپلماسی بشود، خیانت در حق مردم و کشور محسوب شده و عاملان باید در پیشگاه خدا، ملت و تاریخ پاسخ‌گو باشند. به لحاظ منطق و عقلانیت، این یک اصل مسلم است که هیچ کس در حوزه تصمیم‌گیری عاری از خطا و اشتباه نیست؛ اما بنا بر مقتضیات، یک نفر برای فرماندهی میدان انتخاب می‌شود و همه باید از آن یک نفر و تیم همراهش حمایت کنند و به او کمک برسانند تا بتوانند با خیال آسوده و بدون تنش و خطر در مقابل دشمنان در چارچوب منافع ملی تصمیم بگیرند. تقابل و زیر سؤال بردن افراد یا تصمیمات آنها، بدون توجه به میدان و ظرفیت دشمن، خدمت به کشور نیست؛ فرصتی است برای دشمن تا بتواند به اتکالی آن حمله کند و امتیاز بگیرد. در میدان همیشه یک نفر بنا بر مقتضیات فرمانده و راهبر می‌شود و مابقی باید حمایت و تبعیت کنند.